

یونسکو و سیاست گذاری ملی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه

از سیاست های ارتباطی متکی به الگوی «توسعه ای دیگر» تا سیاست های ارتباطی مبتنی بر اصول حقوق بشر

نوشته دکتر کاظم معتمدنژاد

آینده نگری درباره توسعه ارتباطات و نقش ارتباطات در توسعه، مستلزم پژوهشگری، سیاست گذاری و برنامه ریزی ملی است. ضرورت نظام مندی آینده نگری ایجاب می کند که راجع به هدف های مورد نظر و چگونگی تحقق آنها، به تحقیق علمی پرداخته شود، بر مبنای نتایج تحقیق، سیاست گذاری گردد و از طریق آنها، برای برنامه ریزی رهنمود ارائه شود.

کوشش در راه سیاست گذاری و برنامه ریزی ملی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه، با هدف ایجاد شرایط مناسب برای استفاده از امکانات ارتباطی در جهت مقابله با عقب ماندگی های اقتصادی و اجتماعی داخلی و رویارویی با شیوه های جدید سلطه جهانی، از اوایل دهه ۱۹۷۰ م، آغاز شده است.

توجه ویژه ای که در این زمان، تحت تأثیر اندیشه های انتقادی برخی از محققان رادیکال غربی و غیر غربی، به سیاست گذاری و برنامه ریزی ملی ارتباطی در کشورهای جهان سوم پدید آمد، زمینه را برای طرد کاربرد «الگوی حاکم ارتباطات توسعه ای»، که به «نوسازی» نوع غربی تمام این کشورها به صورت یکنواخت نظر دارد، فراهم ساخت. به

این گونه، امکانات استفاده عملی از دیدگاه‌های جدید، که برای به کار گرفتن ارتباطات در توسعه ملی، به شرایط تحول تاریخی، هویت فرهنگی، هشپاری سیاسی مردمی، خود اتکایی اقتصادی و مشارکت جمعی می‌اندیشند، فراهم شدند.

در این زمینه، در سطح جهانی، «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» (یونسکو)، نقش پیشگام ایفا کرده است و بر اثر کوشش‌های آن برای تشویق و ترویج سیاست‌های ملی ارتباطی، کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر در این مورد، گام‌های مهمی برداشته‌اند.

برای تهیه و تدوین سیاست‌های ملی ارتباطی در ایران، تاکنون پژوهش خاص یا اقدام مشخصی صورت نگرفته است. به منظور تدارک این گونه سیاست‌ها، می‌توان زمینه‌های تاریخی توجه به هدف‌ها و عملکردهای وسایل جدید ارتباطی، از زمان تأسیس مطبوعات و ارتباطات دور، تا کاربرد وسایل نوین ارتباطی سمعی و بصری، از قرن نوزدهم میلادی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی را مورد مطالعه قرار داد و در کنار آنها، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات را که حاوی بسیاری از اصول کلی سیاست‌های ارتباطی هستند نیز تجزیه و تحلیل کرد. براساس تصمیم‌ها و توصیه‌های «یونسکو» و با توجه به سوابق تاریخی مذکور و تجربیات دهه‌های اخیر، بررسی درباره خطوط اصلی سیاست‌های ارتباطی مورد نیاز جامعه کنونی ایران و ارائه پیشنهادهایی برای تدارک این سیاست‌ها، می‌توانند سودمند واقع شوند.



کوشش‌های «یونسکو» برای تشویق و ترویج سیاست‌های ارتباطی ملی، از مباحثات شانزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی این سازمان که در پاییز ۱۹۷۰ در پاریس برگزار شد، سرچشمه گرفته‌اند. در این اجلاس، برای نخستین بار الگوی غربی «توسعه بخشی ارتباطات»، که از دو دهه پیش به عنوان یک الگوی واحد جهانی برای کاربرد وسایل و امکانات ارتباطی در راه نوسازی کشورهای جهان سوم، عرضه شده بود و عملاً نقش «الگوی حاکم» را پیدا کرده بود، از سوی نمایندگان کشورهای هوادار سیاست‌های ارتباطی ملی، مورد معارضه جوی قرار گرفت.

اجلاس اخیر کنفرانس عمومی یونسکو، در مباحثه‌های بین‌المللی پرسروصدای جدید خود در مورد ارتباطات، که سر آغاز دگرگونی کامل عملکردهای ارتباطی دهه‌های

پیشین آن بشمار می‌رفت. برای مقابله با نابرابری ارتباطات جهانی و کاربرد مطلوب‌تر وسایل و تکنولوژی‌های ارتباطی در ممالک در حال توسعه، بر ضرورت ترویج سیاست‌گذاری ملی ارتباطات در کشورهای عضو این سازمان، تأکید گذاشت و در این باره، قطعنامه‌های ویژه‌ای صادر کرد.^(۱)

هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی، که در پاییز سال ۱۹۷۲ تشکیل شد، نیز در مورد سیاست‌های ملی ارتباطی، تصمیمات جدیدی گرفت و به مدیرکل این سازمان، اختیار داد تا با استفاده از نتایج کار «گردهمایی کارشناسان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات»، که در ماه ژوئیه همان سال در پاریس تشکیل شده بود، به گسترش مطالعات و تحقیقات در زمینه کاربرد ارتباطات در خدمت توسعه کشورهای جهان سوم و مخصوصاً پژوهش‌های لازم برای تهیه و تدوین سیاست‌های ملی ارتباطی، کمک کند.

براساس تصمیمات گردهمایی مذکور، که تعریف سیاست‌های ارتباطی را نیز بدست داده بود، انتشار یک مجموعه کتاب در زمینه این سیاست‌ها از سوی یونسکو آغاز شد. به موازات آن، برای برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای سیاست‌های ارتباطی در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا و کشورهای عربی اقدام گردید و از طرف «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات»، نیز توجه خاصی به این سیاست‌ها معطوف شد.

۱. ارائه مشخصات سیاست‌های ارتباطی

در گردهمایی کارشناسان یونسکو برای مطالعه در مورد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات، که از ۱۷ تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۲ با شرکت متخصصان ۲۰ کشور در زمینه‌های گوناگون ارتباطات، اقتصاد، آموزش، مدیریت و توسعه، به ریاست «کارل نوردن استرنگ» استاد علوم ارتباطات در دانشگاه «تامپره» فنلاند، در مقر یونسکو در پاریس برگزار شد، ضمن تأکید بر نقش روزافزون ارتباطات در توسعه جوامع معاصر و عدم کارایی یک الگوی واحد جهانی برای کاربرد وسایل و تکنولوژی‌های ارتباطی در برنامه‌های توسعه ملی کشورهای مختلف جهان و نیز یادآوری مخاطرات یک «استعمار نوین ارتباطی» و «امپریالیسم فرهنگی»، ضرورت ترغیب دولت‌های عضو یونسکو، به استفاده از سیاست‌های ملی ارتباطی، براساس شرایط خاص تاریخی و هویت ملی و امکانات توسعه درون‌زا در هر کشور، خاطر نشان گردید.

در این گردهمایی، برای نخستین بار، از سوی کارشناسان جهانی کشورهای عضو «یونسکو»، تعریفی از سیاست‌های ارتباطی نیز ارائه شد. به موجب این تعریف، سیاست‌های مذکور، دارای چنین مشخصاتی هستند:

«سیاست‌های ارتباطی، مجموعه اصول و هنجارهایی را تشکیل می‌دهند که به منظور راهنمایی عملکرد نظام‌های اطلاعاتی، یا به گونه‌ای وسیع‌تر، نظام‌های ارتباطی، موردنظر قرار می‌گیرند. این سیاست‌ها، در طول سال‌های دراز، تحت تأثیر نگرش عمومی جامعه درباره اطلاعات و ارتباطات و تکیه‌گاه‌های آنها، ایجاد می‌شوند. سیاست‌های مذکور، از ایدئولوژی‌های سیاسی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی هر کشور و ارزش‌های شالوده‌ای تشکیل‌دهنده آنها، سرچشمه می‌گیرند و در جهت انطباق دادن این عناصر گوناگون با نیازهای واقعی و امکانات موجود در زمینه ارتباطات، پیش می‌روند.

هر جامعه، دارای یک سیاست ارتباطی است. هر چند، این سیاست گاهی، پیش از آن که به‌طور صریح، در قالب یک مجموعه هماهنگ، منعکس شده باشد، غیر صریح و پراکنده است. سیاست ارتباطی، می‌تواند خیلی کلی باشد و تنها به تعریف هدف‌ها و اصول بپردازد، یا آن که معرف جزئیات باشد و جنبه الزامی داشته باشد. این سیاست، ممکن است از لحاظ فراگیری و نیز طرز تدوین، دارای سطح‌های متعددی باشد. سیاست ارتباطی می‌تواند در قانون اساسی یا قوانین مصوب پارلمان، در سیاست عمومی کشور، در رهنمودهای اجرایی سازمان‌های مختلف اداری، در مجموعه اصول اخلاقی حرفه‌ای ارتباطات و همچنین در اساسنامه‌ها و مقررات سازمان‌های تخصصی اطلاعات و ارتباطات، پیش‌بینی شده باشد» (۲)

در گردهمایی مذکور، علاوه بر سیاست‌های ملی ارتباطی، مسائل برنامه‌ریزی ملی ارتباطات و نیز انواع این برنامه‌ریزی‌ها و ابعاد و مشخصات آنها، بررسی گردیدند و همبستگی سیاست‌گذاری‌های ارتباطی و برنامه‌ریزی‌های ارتباطی و مقتضیات و ضرورت‌های آنها، از قبیل عوامل جمعیتی، ملاحظات جغرافیایی، معیارهای ارزشی، امکانات مدیریتی و تجهیزات تکنولوژیک و همچنین دستیابی به اطلاعات و استفاده از تحقیقات، مورد تأکید قرار گرفتند.

کارشناسان «یونسکو» در این گردهمایی، چگونگی مشارکت سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و از جمله، مقامات اجرایی، اعضای مجالس قانون‌گذاری، مسؤولان برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی، مدیران مؤسسات ارتباطی، مسؤولان سازمان‌های حرفه‌ای ارتباطات و نیز برخی از گروه‌های اجتماعی در تدارک و تدوین سیاست‌های

ارتباطی را نیز بررسی کردند و ضرورت تشکیل «شوراهای ملی سیاست‌گذاری ارتباطی» را هم خاطر نشان ساختند و درباره ترکیب این شوراها و وظایف آنها نیز رهنمودهایی عرضه نمودند. (۳)

لازم به یادآوری است، که پس از گردهمایی مذکور، گردهمایی دیگری از کارشناسان جهانی نیز درباره «مدیریت و برنامه‌ریزی نظام‌های ارتباطی نوین»، در اکتبر ۱۹۷۳ در مقر «یونسکو» در پاریس، برگزار گردید و بررسی‌های قبلی در مورد سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ارتباطی را توسعه داد. (۴)

۲. انتشار مجموعه کتاب‌های سیاست‌های ارتباطی

به دنبال برگزاری گردهمایی مذکور، «یونسکو» کوشش‌های مهم دیگری نیز برای مطالعه و تحقیق در مورد سیاست‌های ملی ارتباطی آغاز کرد، که در میان آنها، انتشار مجموعه‌ای راجع به سیاست‌های ارتباطی در کشورهای مختلف جهان، اهمیت ویژه دارد. هدف انتشار مجموعه کتاب‌های مربوط به سیاست‌های ارتباطی آن بود که ضمن تشویق و ترغیب کشورهای عضو «یونسکو» به تدارک و تدوین این گونه سیاست‌ها، امکانات استفاده از تجربیات گوناگون دولت‌ها درباره سیاست‌های یاد شده، فراهم شوند و به این طریق، با مطالعه تطبیقی این تجربیات، جنبه‌های مثبت آنها از سوی کشورها، مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

برای این مجموعه، که انتشار آن در سال ۱۹۷۴ آغاز گردید و در دهه ۱۹۸۰ نیز ادامه یافت، چهار منطقه جغرافیایی، شامل اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در نظر گرفته شده بودند. نخستین کتاب‌های مجموعه، از طرف چند کشور اروپایی مانند سوئد، آلمان غربی و یوگسلاوی و مجارستان، تدوین گردیدند و به وسیله یونسکو انتشار یافتند. پس از چاپ آنها، به تدریج، چند کشور آسیایی نظیر ژاپن، کره جنوبی، هند و سریلانکا و چند کشور آفریقایی، همچون نیجریه، سنگال و زئیر و چند کشور آمریکای لاتین، مانند برزیل، ونزوئلا و پرو، نیز نسخه‌های کتاب‌های سیاست‌های ارتباطی خود را در اختیار «یونسکو» گذاشتند، که در سال‌های بعد، در مجموعه مذکور به چاپ رسیدند.

علاوه بر مجموعه سیاست‌های ارتباطی، «یونسکو» در دهه ۱۹۷۰ کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه، در مجموعه قدیمی معروف «گزارش‌ها و مقاله‌ها درباره ارتباطات» منتشر

کرد. کتابی به نام «نظام‌های ارتباطی ملی: برخی موضوع‌ها و گزینه‌های سیاستی»^(۵)، کتابی تحت عنوان «به سوی سیاست‌های ارتباطی واقع‌بینانه: گردآوری و بررسی روندها و اندیشه‌های جدید»^(۶)، کتاب دیگری به نام «شوراهای ملی سیاست‌های ارتباطی: اصول و تجربیات»^(۷)، به ترتیب، در سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ در مجموعه اخیر، از طرف یونسکو، انتشار یافتند.



در هیجدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو که در پاییز سال ۱۹۷۴ برگزار گردید، مباحثات جهانی در مورد ارتباطات، به نتیجه‌گیری‌های مهمی در جهت مقابله با عقب‌ماندگی ارتباطی کشورهای جهان سوم، منتهی شدند. این نتیجه‌گیری‌ها، نخستین بار در قطعنامه مهم شماره ۱۲.۱ کنفرانس عمومی درباره کمک یونسکو به استقرار یک «نظم نوین اقتصادی بین‌المللی» انعکاس یافتند. در این قطعنامه چنین گفته شده است:

«کنفرانس عمومی معتقد است که، مساعدت یونسکو به پیشبرد یک نظم نوین اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی، به منظور ایجاد یک ساخت جهانی بدون وابستگی، مرکب از جوامع عدالت‌آمیز و آزاد... باید، کاربرد دموکراتیک وسایل ارتباطی جمعی را در بر داشته باشد... و کمک به ممالک در حال توسعه، برای ایجاد زیرساخت‌های ملی ارتباطات و اطلاعات و ترغیب و تحکیم همکاری چندجانبه... را تأمین کند.»^(۸)

در دو قطعنامه دیگر (قطعنامه‌های شماره ۴.۱۱ و شماره ۴.۱۲)، که در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۴ به تصویب رسیدند، کنفرانس عمومی از مدیرکل یونسکو دعوت کرد که «... با ترغیب برای تأسیس خبرگزاری‌های منطقه‌ای...، به گسترش مطبوعات در ممالک در حال توسعه مساعدت کند، برای برنامه‌ریزی نظام‌های ارتباطی، که باید جزء مکمل برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد، کوشش نماید و حق ارتباط را نیز مورد بررسی قرار دهد...»^(۹). این قطعنامه‌ها، که به پیشنهاد گروه نمایندگان کشورهای غیرمتعهد تصویب گردیدند، مسیر فعالیت‌ها و برنامه‌های آینده یونسکو را روشن‌تر ساختند. به این ترتیب، مشخص شد که باید با ایجاد شرایط لازم برای دستیابی به اطلاعات و مشارکت در ارتباطات، با طرد وابستگی، که شاخص نظام کنونی است، و با تقویت زیرساخت‌های ارتباطی ممالک در حال توسعه، وسایل ارتباط جمعی را به صورت دموکراتیک در آورد. به

همین جهت، بستگی نزدیک بین ارتباطات و توسعه، بیش از پیش طرف توجه واقع شد.

۳. برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای سیاست‌های ارتباطی

در اجلاس‌های اخیر کنفرانس عمومی یونسکو، به منظور پیشبرد نقش وسایل ارتباط جمعی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های ملی توسعه جهان سوم، برگزاری کنفرانس‌های منطقه‌ای درباره سیاست‌های ملی ارتباطی، نیز مورد توصیه قرار گرفت.*

در اجرای این توصیه کنفرانس عمومی، پس از تشکیل سه گروه‌هایی از کارشناسان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در مورد آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب، که به ترتیب، در ژوئیه ۱۹۷۴، در بوگوتا (کلمبیا)، در نوامبر همان سال در کینگستون (جامائیکا) و ژوئن ۱۹۷۵ در کیتو (اکواتور) برگزار گردیدند، نخستین کنفرانس منطقه‌ای بین‌الدول، راجع به سیاست‌های ملی ارتباطی در آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب، از ۱۲ تا ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۶ در شهر سن خوزه، پایتخت کاستاریکا، تشکیل شد. در این کنفرانس، که برگزاری آن با مخالفت شدید ایالات متحده آمریکا و به ویژه، انجمن‌ها و سازمان‌های ارتباطی حرفه‌ای آن، روبه‌رو گردید، تصمیمات مهمی درباره تهیه و تدوین سیاست‌های ملی و بین‌المللی ارتباطی و مخصوصاً تأسیس شوراهای ملی سیاست‌های ارتباطی، توسعه پژوهش‌های علمی ارتباطات و ایجاد خبرگزاری‌های ملی و منطقه‌ای، گرفته شدند. کنفرانس مذکور، یک اعلامیه نهایی، موسوم به «اعلامیه سن خوزه» منتشر کرد و همراه آن، ۳۰ توصیه‌نامه نیز ارائه نمود.

کنفرانس «سن خوزه»، در توصیه نامه شماره یک خود، «... حق حاکمیت کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب را برای کسب آزادانه بهترین وسایل لازم جهت مقابله با عقب‌ماندگی این ناحیه در زمینه ارتباطات...» مورد تأکید قرار داد. در توصیه‌نامه دیگری، کنفرانس مذکور از مدیرکل یونسکو، دعوت به عمل آورد تا ممالک آمریکای لاتین و منطقه کارائیب را در کوشش‌های آنها برای مطالعات و تحقیقات فنی و حقوقی در زمینه ارتباطات، تربیت روزنامه‌نگاران و تأسیس یک خبرگزاری منطقه‌ای و تدارک سیاست‌های استفاده از ماهواره‌های ارتباطی، کمک کند. کنفرانس، همچنین در یک توصیه‌نامه دیگر پیشنهاد کرد، که در مورد اصول مربوط به «حق ارتباط» و تهیه مقررات حقوقی خاص در این باره و تدوین منابع علمی کامل در زمینه تجربیات دیگری که از این لحاظ در دنیا جریان

دارند، مطالعات حقوقی گسترده‌ای صورت گیرند.

در اعلامیه نهایی کنفرانس، سیاست سلطه‌جویی انحصارهای بزرگ کشورهای صنعتی در زمینه ارتباطات، محکوم گردید و تصمیم قاطع ممالک منطقه، برای استقرار یک «نظم نوین بین‌المللی اطلاعات و ارتباطات»، مورد تأکید واقع شد. در این اعلامیه بر نقش ارتباطات به عنوان عامل مؤثر نوزایی ملی و پشتیبان نیرومند کشورها در روابط بین‌المللی، نیز تأکید گردید. (۱۰)

کنفرانس بین‌الدول درباره سیاست‌های ارتباطی در آسیا و اقیانوسیه، که مقدمات آن در گردهمایی کارشناسان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات، در روزهای ۱۲ تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۶ در مانیل پایتخت فیلیپین بررسی شدند و قرار بود در سال ۱۹۷۷ برگزار شود، سرانجام از ۵ تا ۱۴ فوریه ۱۹۷۹ در کوآلا لامپور، پایتخت مالزی، تشکیل گردید. در این کنفرانس، جنبه‌های مختلف «سیاست‌های ارتباطی ملی» مورد مطالعه قرار گرفتند و بر نقش مهم وسایل ارتباط جمعی در حفظ هویت ملی و گسترش همگرایی اجتماعی نیز تأکید گذاشته شد. این کنفرانس یک اعلامیه نهایی، به نام «اعلامیه کوآلا لامپور» با ۵۱ توصیه‌نامه، صادر کرد.

در اعلامیه نهایی کنفرانس بین‌الدول درباره سیاست‌های ارتباطی در آسیا و اقیانوسیه هم نقش منفی انحصارهای جهانی در زمینه ارتباطات محکوم گردید و ضرورت احترام به حاکمیت و برابری دولت‌ها، لزوم مشارکت بیش از پیش خلق‌ها و افراد در روند ارتباطات و نیز نقش خاص وسایل ارتباط جمعی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و اهمیت سیاست‌های ارتباطی در پیشبرد برنامه‌ریزی‌ها و برنامه‌های توسعه ملی، مورد تأکید قرار گرفتند. اعلامیه مذکور، همچنین ضرورت کاهش عدم تعادل‌ها و نابرابری‌های موجود در زمینه‌های اطلاعات و ارتباطات و لزوم استقرار یک «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» را، خاطر نشان ساخت. (۱۱)

سومین کنفرانس بین‌الدول راجع به سیاست‌های ارتباطی در آفریقا، که برای تهیه مقدمات آن، سه گردهمایی از کارشناسان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات، در فاصله ۱۷ تا ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹، به ترتیب در داکار (سنگال)، فری تون (سیرالئون) و نایروبی (کنیا)، برگزار شده بودند، از ۲۲ تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۲ در یائونده، پایتخت کامرون تشکیل گردید و در اعلامیه نهایی خود، موسوم به «اعلامیه یائونده» و نیز ۳۷ توصیه‌نامه، تصمیماتی مشابه

دو کنفرانس منطقه‌ای قبلی، اتخاذ کرد و بر ضرورت کاربرد هرچه بیشتر ارتباطات در توسعه ملی و نیز مقابله با سلطه جهانی ارتباطی، تأکید گذاشت. (۱۲)

- چهارمین و آخرین کنفرانس بین‌الدول منطقه‌ای در مورد سیاست‌های ارتباطی، برای کشورهای عربی شمال آفریقا و خاورمیانه، از ۱۹ تا ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۷، در شهر خرطوم، پایتخت سودان، برگزار شد. پیش از آن، مقدمات تشکیل این کنفرانس، در گردهمایی‌های کارشناسان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات، در ژوئن ۱۹۸۲ در امان (اردن) و در ژوئیه ۱۹۸۳ در ریاض (مراکش)، فراهم شده بودند. این کنفرانس نیز یک اعلامیه نهایی موسوم به «اعلامیه خرطوم»، همراه با ۱۵ توصیه‌نامه صادر کرد.

تصمیمات این کنفرانس در زمینه سیاست‌های ملی ارتباطی، نسبت به سه کنفرانس قبلی، دارای لحن سلطه‌ستیزی قاطعی نبودند و در مصوبات و اعلامیه نهایی آن، به جای تأکید خاص بر حاکمیت دولت‌ها و مقابله با سلطه ارتباطی جهانی و کاربرد ارتباطات در جهت پیشرفت ملی و قطع وابستگی خارجی، بیشتر بر استفاده از آنها در راه همکاری فرهنگی کشورهای عربی، تکیه شده بود. (۱۳)

۴. جایگاه خاص سیاست‌های ارتباطی در مطالعات کمیسیون مک براید

نوزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، که در پاییز ۱۹۷۶ در شهر نایروبی، پایتخت کشور آفریقای کنیا تشکیل گردید، قطعنامه بسیار مهمی در پشتیبانی از خواست کشورهای در حال توسعه برای برقراری یک «نظم نوین بین‌المللی اطلاعات» تصویب کرد. به موجب این قطعنامه، به مدیرکل یونسکو مأموریت داده شد تا به منظور «...بررسی مجموعه مسائل ارتباطات در جامعه معاصر...» یک کمیسیون بین‌المللی، تشکیل دهد.

«کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات»، که کار خود را یک سال پس از نوزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی، در اواخر پاییز ۱۹۷۷، به ریاست «شون مک براید»، وزیر امور خارجه پیشین ایرلند، در پاریس آغاز کرد، مأموریت یافته بود تا در چهار مقوله، مهم‌ترین مسائل ارتباطات در زمان معاصر را مورد مطالعه قرار دهد:

۱. بررسی وضع موجود اطلاعات و ارتباطات در جهان، با توجه به گوناگونی شرایط اجتماعی و اقتصادی و سطح و گونه‌های توسعه و مشخص کردن مسائل مهمی که حل آنها اقدامات جدید ملی و بین‌المللی را ایجاب می‌کند.

۲. توجه خاص به مسائل مربوط به جریان آزاد و متعادل اطلاعات در جهان و همچنین نیازهای ویژه ممالک در حال توسعه در این زمینه.

۳. تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف مسائل ارتباطات، با توجه به چشم‌انداز استقرار «نظم نوین بین‌المللی اقتصادی» و ابتکارات لازم برای تسهیل برقراری یک «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات».

۴. تعیین نقش ارتباطات، برای هوشیارسازی افکار، در برابر مسائل مهم مورد برخورد در جهان و علاقه‌مند ساختن و کمک کردن آنان به حل تدریجی این مسائل، از طریق اقدامات هماهنگ ملی و بین‌المللی.

این کمیسیون، پس از حدود یک سال فعالیت‌ها و بررسی‌های مختلف، موفق شد یک گزارش مقدماتی تهیه کند و به بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو ارائه دهد.

در بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، که در پاییز ۱۹۷۸ در پاریس برگزار گردید، در کنار مباحثاتی که برای تصویب طرح اعلامیه مربوط به نقش وسایل ارتباط جمعی در روابط بین‌المللی صورت گرفتند، تبادل نظرهای راجع به گزارش مقدماتی «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات» نیز اهمیت خاصی پیدا کردند.

به هنگام برگزاری بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، طرح تازه‌ای که مدیرکل آن سازمان در زمینه اعلامیه مربوط به وسایل ارتباط جمعی در روابط بین‌المللی تهیه کرده بود، مورد بررسی قرار گرفت. پس از تغییرات گوناگون در متن ارائه شده از سوی مدیرکل یونسکو، سرانجام یک متن تجدیدنظر شده مورد توافق همگان، به کنفرانس عمومی ارائه شد. این متن که دارای یک مقدمه طولانی و ۱۱ ماده بود و عنوان نهایی «اعلامیه یونسکو درباره اصول بنیادی مربوط به مساعدت وسایل ارتباط جمعی در تحکیم صلح، تفاهم بین‌المللی، پیشبرد حقوق بشر و مبارزه علیه نژادپرستی، آپارتاید و تحریک به جنگ» (۱۴) به آن داده شده بود، در جلسه همگانی ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی، با کف‌زدن‌های نمایندگان دولت‌های عضو یونسکو، به اتفاق آراء به تصویب رسید.

اعلامیه مصوب بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در مورد وسایل ارتباط جمعی، راجع به ضرورت دگرگون شدن وضع ارتباطات در جهان، اصول بسیار مهمی عرضه کرده است. برای نخستین بار، با این اعلامیه، یک سند بین‌المللی به تصویب رسید

که در مقدمه آن از وقوف خاص کنفرانس عمومی به آرمان‌های ممالک در حال توسعه برای برقراری یک «نظم نوین جهانی عادلانه‌تر و موثرتر اطلاعات و ارتباطات» سخن به میان آمده است.

به طور کلی، در زمینه نقش بین‌المللی وسایل ارتباط جمعی، اعلامیه یونسکو، انتشار گسترده‌تر و متعادل‌تر اطلاعات، تضمین دستیابی همگان به اطلاعات، «... به منظور آن که هر کس بتواند نسبت به صحت اخبار اطمینان حاصل کند و عقیده خویش را درباره رویدادها، بر مبنای واقع‌بینانه استوار سازد...» (ماده ۲)، «... ضرورت به گوش رساندن صدای خلق‌های ستم‌دیده...»، «... تصحیح نابرابری‌های موجود در جریان اطلاعات به طرف یا از سوی کشورهای در حال توسعه و نیز بین این ممالک...» (ماده ۶)، را مورد توجه قرار داده است. مساعدت وسایل ارتباط جمعی به استقرار یک «نظم نوین بین‌المللی اقتصادی» و نیز مقام ممتاز یونسکو برای مساعدت در برقراری شرایط یک «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» نیز به طور دقیق در اعلامیه، خاطر نشان گردیده است. (۱۵)

بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، طی قطعنامه جداگانه‌ای نیز، کوشش‌های مربوط به برقراری یک «نظم نوین جهانی عادلانه‌تر و متعادل‌تر اطلاعات و ارتباطات» را مورد تأیید قرار داد و از مدیرکل آن سازمان دعوت کرد که مساعی خویش را در این زمینه دنبال کند. در همین اجلاس، برای ایجاد یک مکانیسم نهادی، جهت مشاوره درباره فعالیت‌ها، نیازها و برنامه‌های مربوط به توسعه ارتباطات در جهان سوم. که در سال‌های بعد به تأسیس «برنامه بین‌المللی یونسکو برای توسعه ارتباطات» منتهی گردید. نیز قطعنامه‌ای به تصویب رسید.

مباحثات مربوط به گزارش مقدماتی «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات» نیز به طور گسترده، در بیستمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، دنبال شدند. این مباحثات برای کمیسیون مذکور فرصت مناسبی فراهم ساختند تا از تمام اظهارنظرها، یادآوری‌ها و پیشنهادهای نمایندگان دولت‌های عضو یونسکو در زمینه تهیه گزارش نهایی آن، که می‌باید به اجلاس بعدی کنفرانس عمومی در سال ۱۹۸۰ ارائه گردد، استفاده کند. در مباحثات یاد شده، راجع به چهار مسأله مهم، شامل «عدم تعادل اطلاعات»، «آزادی و مسؤولیت اطلاعات»، «حاکمیت دولت‌ها» و «ارتباطات و توسعه»، تبادل نظرهای گوناگونی صورت گرفتند.

در زمینه حاکمیت دولت‌ها، بسیاری از هیأت‌های نمایندگی کشورهای عضو یونسکو، یادآوری کردند که اصل «حاکمیت ملی» دولت‌ها ایجاب می‌کند که هر دولت، حق برقراری سیاست ارتباطی خاص خویش را دارا باشد و بنابراین، اصل مذکور، باید بر آزادی جریان اطلاعات در سطح جهانی، مقدم شناخته شود.

در مورد ارتباطات و توسعه هم بسیاری از هیأت‌های نمایندگی ممالک جهان سوم، در مباحثات مربوط به گزارش مقدماتی کمیسیون، بر نقش‌های مهمی که وسایل ارتباط جمعی در خدمت به توسعه اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی جوامع معاصر ایفا می‌کنند، تکیه کردند و ضرورت توجه بیشتر به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ارتباطی در این مورد را، خواستار شدند.

به‌طور کلی در جمع‌بندی نظرات مربوط به گزارش مقدماتی «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات» نتیجه‌گیری شد که اکثریت کشورهای عضو یونسکو، یک نظم نوین بین‌المللی اطلاعات و ارتباطات را، که از نظم نوین بین‌المللی اقتصادی تفکیک‌ناپذیر است، ضروری می‌دانند. به همین سبب، در پایان مباحثات، کنفرانس عمومی از مدیرکل یونسکو دعوت کرد تا از کمیسیون بخواهد که در تهیه گزارش نهایی کار خود، اقدامات عملی و مؤثری را که به استقرار یک نظم نوین جهانی عادلانه‌تر و مؤثرتر اطلاعات و ارتباطات، کمک خواهند کرد، پیشنهاد کند.

در بیست و یکمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو، که در پاییز ۱۹۸۰ در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی تشکیل شد، ضمن تصویب گزارش نهایی «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات»، قطعنامه بسیار مهمی نیز راجع به برقراری «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» صادر گردید. **

به موجب این قطعنامه، استقرار نظم مذکور باید براساس اصول مهمی استوار باشد که محو نابرابری و عدم تعادل ارتباطات و اطلاعات، محو آثار منفی بعضی از انحصارهای عمومی و خصوصی و تمرکزهای افراط‌آمیز در زمینه ارتباطات، رفع موانع داخلی و خارجی جریان آزاد و انتشار گسترده‌تر و متعادل‌تر اطلاعات و افکار، تعدد منابع و مجراهای اطلاعات، آزادی مطبوعات و اطلاعات، آزادی فعالیت روزنامه‌نگاران و تفکیک‌ناپذیری این آزادی از مسؤلیت آنان، توانایی کشورهای در حال توسعه برای بهبود وضع ارتباطات آنان در انطباق با نیازها و آرمان‌های ملی، علاقه صمیمانه کشورهای

پیشرفته برای کمک به تحقق هدف‌های ارتباطی ممالک در حال توسعه، احترام به هویت فرهنگی همهٔ خلق‌ها، احترام به حق تمام خلق‌ها برای مشارکت در مبادلهٔ بین‌المللی اطلاعات و احترام به حق همگان، برای دستیابی به منابع خبری و مشارکت فعال در روند ارتباطات، را در برمی‌گیرند.

در گزارش نهایی «کمسیون بین‌المللی مطالعه دربارهٔ مسائل ارتباطات»، که در اوایل سال ۱۹۸۰، با عنوان «یک جهان و چندین صدا: ارتباطات و جامعه، امروز و فردا» به سوی یک نظم‌نویین جهانی عادلانه‌تر و مؤثرتر اطلاعات و ارتباطات»، از سوی «یونسکو» به زبان‌های انگلیسی و فرانسه، انتشار یافت و سپس به بسیاری از زبان‌های دیگر دنیا ترجمه گردید (۱۶)، برای سیاست‌های ارتباطی ملی، اهمیت ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

سیاست‌های ارتباطی، در سه قسمت از قسمت‌های پنجگانهٔ گزارش مذکور، که شامل «ارتباطات و جامعه»، «ارتباطات در دنیای امروز»، «مسائل ارتباطات: اشتغال‌های ذهنی مشترک»، «چارچوب‌های نهادی و حرفه‌ای ارتباطات» و «ارتباطات فردا» هستند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

در قسمت اول گزارش، تحت عنوان «ارتباطات و جامعه» که طی سه فصل آن، به ترتیب «بعد تاریخی»، «بعد کنونی» و «بعد بین‌المللی» ارتباطات، مطرح گردیده‌اند، ضمن فصل اخیر، با تأکید بر نابرابری‌های ارتباطی و عدم تعادل‌های اطلاعاتی موجود در سطح جهان و اهمیت خاص «مباحثهٔ بین‌المللی» دولت‌های عضو «یونسکو» دربارهٔ آنها، کوشش‌های این سازمان، برای تشویق و ترغیب سیاست‌های ارتباطی، در جهت مقابله با شرایط نامساعد ارتباطی و اطلاعاتی کشورهای جهان سوم عنوان شده‌اند و اقدام‌های مختلف «یونسکو» در این زمینه و از جمله، برگزاری دو کنفرانس منطقه‌ای سیاست‌های ارتباطی. که تا آن تاریخ در آمریکای لاتین و کشورهای دریای کارائیب و آسیا و اقیانوسیه تشکیل شده بودند. یادآوری گردیده‌اند. (۱۷)

فصل یکم از قسمت چهارم گزارش راجع به چارچوب‌های نهادی و حرفه‌ای ارتباطات، که دارای عنوان «سیاست‌های ارتباطی» است، به بررسی جنبه‌های خاص این سیاست‌ها، اختصاص یافته است. در بخش‌های سه‌گانهٔ این فصل، «پیوند سیاست‌های ارتباطی با استراتژی‌های توسعه»، «چارچوب نهادی سیاست‌های ارتباطی» و «چارچوب ساختاری این سیاست‌ها»، تشریح شده‌اند.

الف. مبانی سیاست های ارتباطی

در فصل اخیر، راجع به سیاست های ارتباطی، پس از مقدمه کوتاهی درباره مسائل مربوط به این سیاست ها و یادآوری اختلاف نظرهای موجود در مورد آنها در مباحثات بین المللی «یونسکو» و مخصوصاً عدم حصول توافق عمومی در زمینه اهمیت و ضرورت تدارک ابزارهای همگون، برای ساختارسازی و همگرایی این سیاست ها و یک اقدام جهانی درباره آن، مبانی مهم این گونه سیاست گذاری ها، ارائه شده اند:

۱. پیوند سیاست گذاری ارتباطی با استراتژی های توسعه

گرایش به برقراری روابط منطقی و پویا بین ارتباطات و هدف های کلی توسعه، از نظر تدوین کنندگان گزارش نهایی «کمیسیون بین المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات»، هسته اصلی تمام مباحثه های مربوط به سیاست های ارتباطی بشمار می رود و با توجه به چنین دیدگاهی است که همبستگی هدف های توسعه ملی و فعالیت های گوناگون اجتماعی و به ویژه ارتباطات و آموزش و نقش مطلوب این فعالیت ها در خدمت توسعه، مورد نظر قرار می گیرد. به همین جهت، در بخش یکم فصل یاد شده پس از تأکید بر این همبستگی، نوع الگوی توسعه مورد جست و جوی کشورهای جهان سوم، به عنوان نخستین مسأله مهمی که باید به حل آن پرداخته شود، مطرح شده است. آنگاه با اشاره به تجربیات تاریخی توسعه کشورهای پیشرفته صنعتی دارای اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و یا دارای اقتصاد دولتی مبتنی بر برنامه ریزی متمرکز و پیروی اکثر کشورهای جهان سوم از این دو نوع الگوی توسعه وارداتی غربی و شرقی، که هر دو بیشتر بر رشد و پیشرفت مادی و اقتصادی جوامع تکیه دارند و یادآوری شکست و سرخوردگی کشورهای مذکور در تقلید از این گونه الگوها برای دستیابی به هدف های اساسی توسعه و نیز خاطر نشان ساختن بحران اقتصادی موجود غرب، بر اهمیت بازنگری الگوهای مورد اقتباس و جست و جوی الگوهای مطلوب توسعه، تأکید گردیده است. در این زمینه، برای نیل به چنین الگوهایی، ضرورت دگرگونی های سیاسی و اجتماعی، در جهت تحقق آرمان هایی همچون جنبه های انسانی توسعه، که بر بهبود کیفیت زندگی استوارند. مشارکت بیش از پیش مردم در تصمیم گیری ها، انتخاب تکنولوژی های مناسب و دارای ضریب بالای اشتغال و کاربری، توزیع عادلانه تولید ملی و امثال آنها، خاطر نشان شده اند.

در این مورد، مخصوصاً بر گزارش معروف «بنیاد داگ هامرشولد» در سوئد، با عنوان «اکنون چه باید کرد؟: توسعه‌ای دیگر». که در سال ۱۹۷۵، از سوی این بنیاد، به زبان‌های انگلیسی و فرانسه، انتشار یافت (۱۸) تکیه گردیده و به مبانی مهم چنین توسعه‌ای، که با توجه به عنوان آن، با الگوهای قبلی توسعه، تفاوت دارد و بر تأمین نیازها و به ویژه نیازهای اولیه اکثریت افراد جامعه، انسانی‌سازی زندگی انسان از طریق تحقق نیازهای بیانی، آفرینندگی، شادمانی و تعیین سرنوشت فرد، استوار است، نیز اشاره شده است. در معرفی «توسعه‌ای دیگر»، به ویژه یادآوری گردیده است که برای دستیابی به این توسعه، دگرگونی‌های ساختاری اجتماعی-اقتصادی و سیاسی، از قبیل اصلاحات ارضی، بهبود زندگی شهری، اصلاح شبکه‌های تجارتي و مالی، توزیع عادلانه تر ثروت و وسایل تولید و همچنین بازسازی نهادهای سیاسی، در جهت عدم تمرکز و تأمین دموکراتیک‌سازی قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی و سیاسی و نیز پیشبرد مدیریت خودگردان و کنترل بوروکراسی، ضروری هستند. در این باره، مخصوصاً خاطر نشان شده است که با توجه به شواهد تاریخی، خیلی کم اتفاق می‌افتد که دگرگونی‌های جوامع، بدون تغییر ساختاری قدرت، به نتیجه مطلوب برسند.

پس از بیان این مقدمات در مورد هدف‌ها و الگوهای توسعه، تأکید گردیده است که ایجاد همبستگی بین ارتباطات. زیرساخت‌ها و فعالیت‌های ارتباطی. از یک سو و هدف‌های ملی توسعه، از سوی دیگر و به عبارت روشن‌تر، ادغام توسعه ارتباطات در برنامه‌های کلی توسعه کشورها، یک مسأله اساسی است و چون، ارتباطات، یک بخش مجزا و خودمختار بشمار نمی‌رود و بیش از هر زمینه‌ای، با سایر زمینه‌ها، همبستگی دارد، بنابراین، طرح ریزی سیاست‌های ارتباطی باید به گونه‌ای باشد، که تنها به اخبار و اطلاعات و حتی به وسایل ارتباط جمعی محدود نگردد، بلکه تمام وسایل و امکانات ارتباطی را که یک جامعه برای نیل به هدف‌های عمومی توسعه خویش بکار می‌برد، در بر داشته باشد. در این باره، نباید فراموش کرد که سیاست‌های ارتباطی، پایه پای سیاست‌هایی که در زمینه‌های دیگر. آموزش، فرهنگ و علوم. طرح ریزی می‌شوند، پیش می‌روند و باید به عنوان مکمل آنها در نظر گرفته شوند. به همین جهت، باید بین ارتباطات و این بخش‌ها، رابطه مستقیم وجود داشته باشد، به گونه‌ای که ارتباطات، پیشرفت خدمات اجتماعی، آموزشی و علمی و نظایر آنها را، تسهیل و ترغیب کند. به علاوه باید در نظر داشت که

سیاست‌های ارتباطی باید فقط در زمینه‌های ساختارها و امکانات مادی ارتباطات، بکار گرفته شوند و از دیکته کردن محتوای ارتباطات یا محدود کردن آزادی بیان عقاید مختلف، پرهیز کنند.

در گزارش، همچنین یادآوری شده است که مسأله عمده‌ای که باید مورد نظر قرار گیرد، توجه به آثار و نتایج رویکردهای جدید مربوط به توسعه، بر ارتباطات و نقش‌ها و نظام‌های ارتباطی است. زیرا، الگوی پیشین توسعه، ارتباطات را بیشتر برای پخش اطلاعات، در جهت معرفی «منافع» حاصل از توسعه و «فداکاری‌های» لازم برای دستیابی به آن و به منظور ترغیب مردم به پیروی از رهبران سیاسی، بکار می‌گرفت. بر این اساس، تقلید از الگوی توسعه، که بر مبنای فرضیه تراوش خود به خود ثروت‌های به کار افتاده، در میان تمام قشرهای جامعه، استوار بود، اشاعه عملکردهای ارتباطی عمودی، از بالا به پایین را، که بعضی اوقات با ساده‌نمایی افراطی همراه بودند و به صورت تکنیک‌های تبلیغات بازرگانی در آمده بودند، نیز در برمی‌گرفت. اما نتایج این گونه عملکردهای ارتباطی، از توقعات مورد نظر، بسیار فاصله داشتند. به همین لحاظ، اکنون اذعان می‌شود که این شیوه‌ها در کشورهای در حال توسعه، بیشتر به نفع کسانی که قبلاً نیز شرایط ممتازی در میان اجتماع دارا بوده‌اند و نه افراد و گروه‌های حاشیه‌ای، تمام شده‌اند و به همین جهت شکاف‌های موجود، بین ثروتمندان و تهیدستان، کاهش نیافته‌اند.

به این ترتیب، از نظر تدوین‌کنندگان گزارش، مهم‌ترین مسأله‌ای که باید مورد توجه واقع شود، تأثیر استراتژی جدید توسعه در سیاست‌های ارتباطی است. اکنون باید مشخص گردد که دگرگونی‌های ضروری در نظام‌های ارتباطی برای توجیه‌گذار از یک توسعه تقلیدی به یک توسعه درون‌زا، کدام‌ها هستند؟ چه نوع عملکردها و ساختارهایی در زمینه ارتباطات، برای آماده ساختن خلق‌ها به مشارکت واقعی و فعال در امور توسعه ملی مربوط به خود آنان، ضرورت دارند؟ معنای اصلی «یک نظم ارتباطی دیگر»، برای «توسعه‌ای دیگر» چیست؟

بدیهی است که سیاست‌های ارتباطی باید، عوامل جمعیتی و نتایج ناشی از آنها در سطح‌های مختلف استراتژی‌های توسعه را نیز مورد نظر قرار دهند. از این جهت، پیش‌بینی توسعه امکانات ارتباطی لازم برای تأمین نیازهای قشرهای گوناگون جمعیت و به طور مثال، سالخورده‌گان، که به سبب کاهش میزان مرگ‌ومیر و افزایش امید زندگی، تعداد آنها در

حال بالا رفتن است و همچنین جوانان و از جمله دانشجویان و کارگران جوان، که سن متوسط آنها بین ۱۵ تا ۲۴ سال است و ۷ تا ۱۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، ضروری است. در همین زمینه، با در نظر گرفتن وضعیت کودکانی که از شش سالگی در سن آموزش قرار دارند و تعداد آنان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، رو به افزایش است، توجه به تولید و تأمین کاغذ مورد نیاز برای چاپ کتاب‌های درسی نیز اهمیت خاص دارد. این مسائل و بسیاری دیگر، همه در قالب سیاست‌های ارتباطی، که برای مقابله با آنها، با استفاده از وسایل مختلف، به افزایش منابع، تسهیلات، زیرساخت‌ها و تجهیزات ارتباطی می‌پردازند، قرار می‌گیرند.

از نظر اعضای «کمیسیون مک براید»، با توجه به الگوی نوین توسعه که مشارکت مردم در امور ملی را ایجاد می‌کند و برای هر شهروند، امکان خودنمایی هویت فردی یا فرهنگی او را فراهم می‌سازد، هدف اصلی هر سیاست ارتباطی، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، باید بر تأمین زیرساخت‌های ارتباطات و به ویژه وسایل ارتباط جمعی، که با تحقق این نیازها، بهتر انطباق دارند، استوار باشد. بدون تردید، توسعه اقتصادی، صنعتی و تکنیکی، در ارتقاء سطح زندگی خلق‌ها و ملت‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کند و بنابراین باید تداوم و تحکیم یابد. اما، چون هدف غایی توسعه، شخصیت انسانی است، ارتباط بین انسان‌ها، شرط اساسی شکوفایی کیفی آنها و نیز جوامعی که آنان در آنها زندگی می‌کنند، بشمار می‌رود. تسهیل این ارتباط و دموکراتیک‌سازی آن، می‌تواند به ایجاد «توسعه‌ای دیگر» که بیش از آن که انحصاراً بر تنوع و کمیت اموال و کالاهای تولید شده مبتنی باشد، بر کیفیت زندگی استوار است، مساعدت نمایند.

در عین حال، به عقیده اعضای کمیسیون، ارتباطات زیرساخت‌های مختلفی را نیز ایجاد می‌کنند و به موازات توسعه یک کشور، تدارک و توسعه نوسازی این زیرساخت‌ها، امکان‌پذیر می‌گردند. اما این پیشرفت‌ها، خود به خود پدید نمی‌آیند و به تصمیم‌گیری‌هایی که برای ارتباطات در استراتژی توسعه، اولویت‌های لازم را در نظر می‌گیرند، بستگی دارند. اگرچه در حقیقت، ارتباطات به تنهایی نمی‌توانند، توسعه ایجاد کنند، اما حقیقت آن است که ارتباطات ناکافی، باعث کندتر شدن و دشوارتر شدن توسعه می‌گردند و در همان حال، از مشارکت مردمی نیز جلوگیری می‌نمایند.

از این جهت، اهمیت توجه به هشیاری بیش از پیش مردم نسبت به ضرورت

دگرگونی‌ها، نیز مورد تأکید تدوین‌کنندگان گزارش قرار گرفته است. به نظر آنان، این هشیاری، عامل نیرومندی است که امکان ساماندهی و آمادگی عمومی برای دگرگونی‌ها را فراهم می‌سازد. به منظور امکان‌پذیر شدن این دگرگونی‌ها، ارتباطات نباید در انحصار وسایل ارتباط جمعی قرار داشته باشند، بلکه معلمان و متصدیان عوام فهم‌سازی برنامه‌ها، که مسؤولیت کوشش‌های بهداشتی یا کشاورزی و نظایر آنها را به عهده دارند و در فراهم آوردن محیط مساعد روشن‌بینی و از میان بردن بیم‌های خاصی که فرایند دگرگونی، گاهی در اندیشه انسان‌ها ایجاد می‌کند، نقش مهمی ایفا می‌نمایند، نیز باید در آنها، شرکت داشته باشند.

با توجه به این دلایل گوناگون، دولت‌های اغلب کشورهای، به تهیه و تدوین سیاست‌های ملی ارتباطات، مبادرت می‌ورزند. آنها، هنوز در این زمینه، با تدارک سیاست‌های کلی، فاصله دارند و بیشتر به اقدامات پراکنده، که اجزاء و عناصر لازم برای نظام‌های سیاسی کنونی یا آینده بشمار می‌روند، دست می‌زنند. حتی کشورهایی که به دلایل اصولی، قبلاً در مداخله راجع به زمینه‌های ارتباطات، تردید داشتند، اکنون احساس می‌کنند که ناگزیرند به آن تن در دهند؛ زیرا، نظام‌های ارتباطی، دارای پیچیدگی‌های روزافزون هستند، پیشرفت‌های جدید تکنولوژی‌های ارتباطی، اکنون برنامه‌ریزی و کنترل بیشتر در زمینه ارتباطات را ایجاد می‌کنند و تصمیم‌گیری‌های داخلی، برای پاسخگویی به گسترش ارتباطات بین‌المللی، ضرورت دارند.

اعضای کمیسیون، سپس تأکید می‌کنند، که اگر چه لزوم سیاست‌های ملی ارتباطی، اکنون کم‌وبیش جنبه جهانی پیدا کرده است، اما باید خاطر نشان ساخت که طرز طرح‌ریزی و تعیین محتوای این سیاست‌ها، نمایانگر تفاوت‌های بسیار مهم آنها در کشورهای مختلف است. سیاست‌های ارتباطی، الزاماً یک مدیریت برنامه‌ریزی شده و تمرکز یافته انعطاف‌ناپذیر را، ایجاد نمی‌کنند، بلکه می‌توانند تنها یک چارچوب مساعد، برای هماهنگ‌سازی اقدامات را فراهم سازند و کم‌وبیش قابلیت انعطاف داشته باشند و برای رویکردهای بسیار متنوع در زمینه ارتباطات، جای مناسب باز گذارند. برعکس، آنچه بیشتر در این سیاست‌ها ضرورت می‌یابد، معرفی اولویت‌هاست، که در هر کشور نسبت به کشورهای دیگر، تفاوت دارند.

با تمام احوال، برخی اولویت‌های اساسی در اغلب کشورهای، به‌طور یکسان مورد نظر

قرار می‌گیرند. برای نیل به جریان پیام‌ها و خبرها، به گونه‌ای که عمودی و یک جهتی نباشند و از سوی برخی افراد، برای عموم مردم تهیه و تولید نگردند، دگرگونی‌های ساختاری، برای امکان یافتن جریان افقی مبادله پیام‌ها، به صورتی که افراد و گروه‌ها به مشارکت در آن فراخوانده شوند، ضرورت دارند. آنچه در این زمینه مطرح است، بیشتر یک مسأله برنامه‌ای است تا مادی. در مورد این امر، دگرگونی طرز فکرها و استنباط‌های قبلی در زمینه ارتباطات، ضرورت فراوان دارد و باید به آن توجه کافی مبذول گردد. یکی از هدف‌های اصلی سیاست‌های ارتباطی، باید تصحیح و تطبیق ساختارهای موجود، برای پاسخگویی به نیازهای گسترش‌دهی و دموکراتیک‌سازی ارتباطات، باشد. در بسیاری از کشورها، چه توسعه یافته و چه در حال توسعه، انواع عدم تعادل‌های گوناگون، نظیر آنچه بین مراکز شهری و مراکز روستایی، نخبگان و توده‌ها، گروه‌های اکثریت و گروه‌های اقلیت از انواع مختلف مشاهده می‌شوند، وجود دارند. به همین جهت، یکی از اهداف اساسی توسعه ارتباطات، کمک به کاهش مداوم نابرابری‌هاست.

تدوین‌کنندگان گزارش خاطر نشان می‌سازند که اگرچه اکنون در تعدادی از کشورها، در سطح‌های بسیار مختلف، انقلابی در تکنولوژی ارتباطی صورت می‌پذیرد که بسیاری از نهادهای موجود را زیرورو می‌سازد، در کنار این انقلاب، اقدامات کاملاً مقتضی و به خوبی تدارک یافته، در جهات زیر، ضرورت دارند:

الف: توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و تشویق کاربرد آنها

ب: تسهیل گسترش شبکه‌های ارتباطات دور

پ: شناخت و انتخاب و سایل فنی ارتباطی مناسب‌تر، با شرایط و امکانات هر کشور

ت: پیش‌گیری و خنثی‌سازی برخی از معایب احتمالی توسعه تکنولوژیک ارتباطی

ث: ایجاد وسایل و امکانات تربیت نیروهای متخصص برای آمادگی، جهت استفاده از

تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، به کارگیری تکنیک‌های مدیریت و نگهداری این

تکنولوژی‌ها و بهره‌برداری از مواد و ملزومات مختلف مربوط به آنها

مسائل مطرح شده در زمینه توسعه ارتباطات، معمولاً همانند مسائل مربوط به توسعه،

به معنای کوتاه کلمه، به عنوان مسائل ملی شناخته می‌شوند و عقیده بر آن است که برای

حل آنها، هر کشور باید بیش از هر چیز، بر روی امکانات خاص خود، حساب کند. در عین

حال، اگر چه اصل خود اتکایی، اهمیت اساسی حائز است، نباید فراموش کرد که بین

ارتباطات در سطح ملی و ارتباطات در سطح بین‌المللی و نیز منطقه‌ای، پیوند آشکار وجود دارد. بنابراین اگر مقتضی است که سیاست‌های ملی ارتباطی مورد لزوم برای توسعه کلی کشورها، به گونه‌ای که علاقه شهروندان به این سیاست‌ها را جلب کنند، تعیین شوند، به نظر می‌رسد که در تدارک این سیاست‌ها، پیش‌بینی اقدامات مساعد برای همکاری‌ها و مبادله‌های ارتباطی، به صورت هر چه فراوان‌تر، در سطح‌های زیرمنطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی، نیز ضروری است.

در پایان این بحث، اعضای کمیسیون، بر ملاحظات خاص زیر، تأکید گذاشته‌اند:

«تعداد کشورهایی که سیاست‌های ملی ارتباطی را تدارک می‌بینند یا اقداماتی در قالب سیاست‌های عمومی اتخاذ می‌کنند که همان هدف‌ها را دنبال می‌نمایند، به‌طور مداوم در حال افزایش‌اند. این یک گرایش ضروری است که باید مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد. در عین حال، این سیاست‌ها نباید به محدودیت‌های مربوط به مبادلات اطلاعات فرهنگی منتهی گردند، بلکه باید، به کاهش موانع ارتباطی و نابرابری‌های موجود در این زمینه، در داخل جوامع و در میان آنها، متبخر شوند.

در طرح‌ریزی سیاست‌های ارتباطی، باید به نکات زیر توجه خاص، معطوف گردد:

الف: تشویق و ترغیب بکار انداختن منابع ملی

ب: تحکیم هماهنگی زیرساخت‌های موجود و موردنظر

پ: امکان‌پذیر ساختن انتخاب‌های عقلایی در زمینه وسایل موردنیاز

ت: تسهیل ارضای نیازهای ارتباطی گروه‌ها و نواحی بسیار محروم و از میان بردن عدم تعادلهای ارتباطی

بسیار مشهود

ث: امکان دادن به حضور آشکارتر تمام کشورها و تمام فرهنگ‌ها در صحنه بین‌المللی

ج: تأکید بر آموزش عمومی و مداوم

چ: مساعدت به تقویت و تحکیم هویت فرهنگی و استقلال ملی (۱۹)

II. چارچوب نهادی

طرح‌ریزی سیاست‌های ارتباطی، معمولاً بر قانون گذاری ملی، که گاهی قانون اساسی است و جنبه کلی دارد و گاهی نیز حاوی جزئیات است و جنبه اختصاصی دارد، استوار می‌شود. آزادی‌های اعتقاد مذهبی، عقیده، گفتار، بیان، مطبوعات و اطلاعات... اصطلاحاتی هستند، که به‌طور معمول، به موازات آزادی‌های تضمین شده دیگر مربوط به ارتباطات،

مانند آزادی اجتماعات، راه پیمایی‌ها، تظاهرات، مکاتبات و مسافرت افراد و نظایر آنها، در قوانین اساسی، به کار می‌روند. این آزادی‌ها، خواه به وظایف و مسؤولیت‌های مربوط به آنها نیز بستگی داشته یا نداشته باشند و با تضمین‌های راجع به تأمین وسایل مادی لازم برای اعمال آنها، همراه باشند یا همراه نباشند، در عین حال، پس از آن که اعلام می‌گردند، در کشورهای مختلف، درباره آنها محدودیت‌هایی ایجاد می‌شوند، که ممکن است فقط شامل محدودیت‌های جزئی باشند و یا برعکس، جنبه‌های مختلف مربوط به اعمال آنها را در برگیرند. در هر حال، مهم شناختن بیش از حد مقررات قوانین اساسی در زمینه این آزادی‌ها، درست نیست. زیرا این گونه متون رسمی و تشریفاتی، ممکن است تنها جنبه ظاهری داشته باشند و در سطح اعلام هدف‌ها، باقی بمانند.

تدوین‌کنندگان گزارش، پس از یادآوری نکات فوق، اضافه می‌کنند که متن‌های قانونی مصوب مجالس قانون‌گذاری و یا تصویب‌نامه‌های دولتی، که برای اجرای اصول پیش‌بینی شده در قوانین اساسی وضع می‌شوند، متعدد و متنوع‌اند و تمام شاخه‌های حقوقی، مانند حقوق مدنی، حقوق جزا، حقوق مالیاتی، حقوق کار و غیره را فرا می‌گیرند. چارچوب حقوقی سیاست‌های ارتباطی، علاوه بر موارد مذکور، در بسیاری از کشورها، مقررات‌گذاری حرفه‌ای راه، که از سوی خود اعضای حرفه‌های ارتباطی، صورت می‌گیرد و اساساً به شکل مجموعه مقررات اخلاقی این حرفه‌ها و شوراهای مطبوعات یا وسایل ارتباط جمعی، عرضه می‌گردد و می‌تواند یک منبع مهم حقوق ارتباطات را تشکیل دهد، نیز شامل می‌شود.

در این چارچوب حقوقی، کشورهای مختلف، دارای مسائل و معضلات همسان نیستند. اقدام‌های دولت، قوه مجریه یا قوه مقننه در این زمینه، به صورت‌های متفاوت خودنمایی می‌کنند. محدودیت‌هایی که از طرف دولت‌ها درباره اعمال آزادی اطلاعات برقرار می‌شوند، سطح‌ها و درجه‌های گوناگون دارند و کم‌وبیش، گسترده‌اند. مقررات‌گذاری‌های موجود در این مورد، که قوانین خاص، یا مقررات حقوقی عام و یا هر دو نوع آن را شامل می‌شوند، شرایط تأسیس، مالکیت، سازماندهی و فعالیت مؤسسات مطبوعاتی، رادیویی، تلویزیونی، سینمایی، نمایشی، خبرگزاری‌ها و آژانس‌های تبلیغاتی و به طور کلی، مؤسسات ارتباطی، به معنای بسیار گسترده آن راه، در بر می‌گیرند.

به این گونه، از نظر نویسندگان گزارش مذکور، آزادی اطلاعات، یک آرمان سیاسی و

حرفه‌ای است، که در عمل، مانند تمام آزادی‌های دیگر، تحت تأثیر شرایط و عوارض اجتماعی، محدود می‌شود. این محدودیت، در مورد محتوای اطلاعات، که راجع به آن، در زمینه‌های عدم احترام به عقاید مذهبی، توهین، افترا، تهمت، افشای اسرار دولتی، لطمه به دفاع ملی و غیره، مقررات مختلفی وجود دارند، به صورت مشخص‌تر مشاهده می‌گردد. بنابراین، نمی‌توان گفت که دولت‌ها، به مقررات گذاری ارتباطات، کاملاً بی‌توجه‌اند و در این زمینه، هیچ نقشی. خواه محدود و خواه برعکس، گسترده. ایفا نمی‌کنند.

تدوین‌کنندگان گزارش سپس تأکید می‌نمایند که در اجتماع ملل، درباره نقش دولت در زمینه ارتباطات، اختلاف نظرهای اساسی وجود دارند. در برخی از کشورها، عقیده بر آن است که آزادی عمل مکانیسم‌های اقتصادی و اجتماعی باید قاعده اصلی باشد و آزادی اطلاعات از مبانی دموکراسی تلقی شود. در این گونه کشورها، قوانین اساسی مکتوب یا عرفی، می‌توانند دولت را از مداخله در زمینه محتوا و انتشار اطلاعات، ممنوع سازند. در کشورهای دیگر، دولت که اغلب در قالب قوه مجریه تجلی می‌کند، معمولاً بازیگر اصلی است و تأمین برتری منافع عمومی بر منافع خصوصی نیز به عهده اوست. به همین لحاظ، تمام فعالیت‌های کشور، از جمله، اطلاعات و ارتباطات، در این جهت، بکار گرفته می‌شوند. بدیهی است، بین کشورهایی که به یکی از دو رویکرد در مورد نقش دولت در امور ارتباطات، گرایش دارند، درباره الگوهای مورد انتخاب آنها، اختلاف‌ها و تفاوت‌های بسیار زیادی موجودند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه در ممالک کمتر توسعه یافته، مداخله دولت، خواه به دلایل ایدئولوژیک و خواه به سبب عدم توانایی بخش خصوصی در تأمین منابع، مهم‌ترین وسیله ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی به شمار می‌رود. آنها سپس خاطر نشان می‌سازند که چارچوب حقوقی، باید اصولاً کثرت‌گرایی را مورد حمایت قرار دهد و برای هر فرد، امکان کسب اطلاعات و اندیشه‌ها از منابع مختلف و انتخاب آزادانه از میان آنها را فراهم سازد. اما این اصل، همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، اغلب مورد تجاوز واقع می‌شود. بر خلاف آنچه در قوانین اساسی یا قوانین عادی، پیش‌بینی می‌گردند، مقررات این قوانین، بر اثر تمرکز مالکیت مطبوعات یا به سبب ایجاد انحصارهای حقوقی یا عملی در زمینه رادیو و تلویزیون، عملاً به اجرا گذاشته نمی‌شوند. در تعداد زیادی از کشورها هم، اصل کثرت‌گرایی، از طریق سانسور یا کنترل دولت‌ها، نفی می‌گردد.

اعضای کمیسیون همچنین می‌افزایند که برخی مسائل دیگر، که تنها به وسایل ارتباط جمعی مربوط نمی‌شوند، بیش از پیش، نگران‌کننده می‌گردند. نمونه مهم آن حمایت آزادی و زندگی خصوصی فردی است، که از طریق کاربرد روزافزون انفورماتیک و همچنین جریان فرامرزی داده‌های الکترونی پردازش شده و ذخیره شده در بانک‌های اطلاعاتی، مورد تهدید قرار گرفته است. مقررات‌گذاری دربارهٔ دستیابی به داده‌های کامپیوتری، کنترل ارتباطات کامپیوتری و حراست از داده‌های گردآوری شده، تنها تعداد محدودی از مسائل مستلزم قانون‌گذاری در این زمینه‌ها هستند. موضوع‌هایی مثل دستیابی تقلب‌آمیز به داده‌ها، امکان یافتن افراد به بازبینی اطلاعات مربوط به خود آنها، از میان بردن این اطلاعات و تصمیم‌گیری راجع به اساس و چگونگی استفاده از این اطلاعات، جنبه‌های دیگر شیوه‌های حمایتی ویژه‌ای به شمار می‌روند که باید تحت برخی شرایط، در مورد زندگی خصوصی افراد، رعایت شوند.

قواعد ویژه گوناگونی، می‌توان به منظور پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی دربارهٔ کاربرد بانک‌های اطلاعاتی خصوصی یا عمومی، در زمینه‌های گردآوری، پردازش و پخش اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی، وضع کرد. این گونه مقررات، مخصوصاً درستی و به روزآوری دائمی داده‌های گردآوری شده، ضرورت جلوگیری از تمام دستیابی‌های تقلب‌آمیز به این داده‌ها و انتشار یا انتقال داده‌های مربوط به زندگی حرمت‌آمیز افراد، انطباق داده‌ها با علل و انگیزه‌های گردآوری آنها، برقراری یک زمان محدود و مشخص، برای ذخیره‌سازی برخی از انواع اطلاعات، ضرورت اجازه خاص برای انتقال داده‌ها به اشخاص ثالث، تصحیح داده‌های نادرست، ایجاد سیستم‌های امنیتی در بانک‌های اطلاعاتی، برای جلوگیری از هرگونه دستیابی غیرمجاز را، شامل می‌شوند. مقررات دیگر، به رفتار کارکنان متصدی فعالیت بانک‌های اطلاعاتی، به ویژه ملزم ساختن آنان به رعایت اسرار حرفه‌ای، محدود ساختن حق دستیابی به اطلاعات تنها به اشخاص دقیقاً مجاز شناخته شده، در مورد داده‌هایی که قابل انتقال به عموم نیستند، الزام به کسب اجازه از اشخاص ذینفع، پیش از هرگونه ذخیره‌سازی اطلاعات دربارهٔ آنان، به استثنای موارد دقیقاً مشخص شده از طریق قانون (امنیت ملی، تعقیب جزایی و غیره)، مخصوصاً داده‌های مربوط به عقاید سیاسی یا مذهبی، نژاد و ریشه قومی، که قابلیت سوءاستفاده برای ایجاد تبعیض را دارا هستند، مربوط می‌شوند.

کاربرد بانک‌های اطلاعاتی، ایجاد مقررات خاص نه تنها در مورد حمایت زندگی خصوصی افراد، بلکه دربارهٔ حمایت از منافع ملی و اجتماعی، منافع بازرگانی، عمومی و خصوصی و نظایر آنها را نیز ایجاب می‌کند. بنابراین، دولت‌ها می‌توانند انتظار داشته باشند، از مکانیسم‌های ضروری، برای امکان حمایت از منافع عمومی جامعه و منافع افراد و گروه‌ها، که تحت پوشش قضایی آنها هستند، برخوردار باشند.

تدوین‌کنندگان گزارش، اضافه می‌کنند که به‌طور بسیار کلی‌تر، کاربرد فزایندهٔ انفورماتیک و بانک‌های اطلاعاتی، این پرسش را پیش می‌آورد که آیا این کاربرد، طبیعتاً به‌گونه‌ای نیست که به تمرکز قدرت در دست یک تکنوکراسی منتهی گردد؟ همچنین بیم آن وجود دارد که این نحو استفاده از تکنولوژی‌های نوین، به انتقال قدرت از قوهٔ مقننه به قوهٔ مجریه و به‌طور وسیع‌تر، به از دست دادن کنترل شهروندان بر امور عمومی، منجر شود. تعداد کشورهای دارای قوانین مربوط در این زمینه، در حال افزایش است. چندین کشور به ویژه در اروپا و آمریکای شمالی، در این مورد قوانینی وضع کرده‌اند و تعدادی دیگر هم برای وضع این‌گونه قوانین آماده می‌شوند. تا مدتی پیش، موضوع حراست داده‌ها، تنها در مناطق پیشرفته، که قسمت اعظم داده‌ها در آنها گردآوری و ذخیره شده‌اند، مورد توجه قرار داشت. اما اخیراً تعدادی از کشورهای در حال توسعه نیز، به سبب کاربرد فزایندهٔ انفورماتیک و به ویژه، برقراری روابط با شبکه‌های اطلاعاتی بین‌المللی. که باید مدیریت بین‌المللی آنها موردنظر واقع شود. به این امر، توجه یافته‌اند.***

اعضای کمیسیون در پایان این مبحث، بر نکات زیر، تأکید خاص گذاشته‌اند:

«در زمینهٔ تمام این مسائل، طرح‌ریزی قواعد جهانی، نه امکان‌پذیر و نه مورد آرزوست. برای بهبود شناخت ما دربارهٔ راه‌حل‌های مختلف مورد آزمایش، باید پژوهش‌های تطبیقی را ادامه داد، تا بتوان راجع به منصفانه‌ترین و مؤثرترین راه‌های تدارک سیاست‌های واقع‌بینانه نوین، که مبتنی بر نتایج این پژوهش‌ها باشند، تصمیم‌گیری کرد. علاوه بر این، باید واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز به‌طور وسیع، موردنظر قرار داد. ایجاد یک نظام واحد ارتباطی، که بتواند هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، در کشورهای سرمایه‌داری و نیز در کشورهای سوسیالیستی، به کار گرفته شود، امکان‌پذیر نیست. در عین حال، برخی اصول بنیادی، مانند کنترل دموکراتیک و گسترش آن، به سبب آن که بر مبنای حقوق بشر استوارند و در تمام جهان مورد احترام‌اند، اعتبار خود را حفظ کرده‌اند. براساس این اصول است که وضع یک کشور، می‌تواند در مجموع، رضایت‌بخش شناخته شود و اصلاحات و انطباق‌دهی‌های ضروری را امکان‌پذیر سازد، یا آن که دگرگونی‌های عمیق به صورت‌های مختلف

را ایجاب کند و یا آن چنان که متأسفانه گاهی روی می دهد، اساساً از لحاظ رعایت اصول مذکور، وضع بسیار منفی داشته باشد.» (۲۰)

۱۱۱. چارچوب ساختاری

تدوین کنندگان گزارش، در مقدمه این مبحث خاطرنشان می سازند که مشخصات ساختارهای ارتباطی، مستقل از نظام های سیاسی و تقریباً مستقل از سطح توسعه، تحت تأثیر وضع برجسته وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی های ارتباطات، که سازماندهی ارتباطات جمعی را امکان پذیر می سازند، قرار دارند. به همین لحاظ، طبیعی است که این وسایل و تکنولوژی ها، در سیاست های ارتباطی و بکارگیری منابع عمومی و خصوصی تمام کشورها، جایگاه مهمی پیدا کنند؛ البته، این برتری سبب می گردد که به پخش عمودی پیام های ارتباطی، اهمیت اساسی داده شود و فرایندهای احتمالی دموکراتیک سازی ارتباطات را، مورد لطمه قرار دهد. همچنین، چنین وضعی ممکن است تناقض های گوناگونی ایجاد کند و خطرات نوعی عظمت گرایی را در برداشته باشد.

اعضای کمیسیون سپس یادآور می شوند که در عصر ما، این گونه سازماندهی ارتباطی، از طریق فلسفه ای که ارتباطات را به عنوان حق هر فرد می نگرد، مورد سؤال واقع شده است. از این نقطه نظر، تکنیک های نوین ارتباطی، که به سرعت توسعه می یابند، وسایل به واقعیت رساندن این حق را، فراهم می کنند. افراد و گروه ها می توانند (یا به زودی خواهند توانست)، وسایل ارتباطی و منابع خاص خود را، به طور همزمان با منابع وسایل ارتباط جمعی، مورد استفاده قرار دهند. وسایل ارتباطی گروهی، که وسایل سنتی و وسایل ناشی از تکنولوژی های پیشرفته را در برمی گیرند، با فراهم ساختن امکان مشارکت تعداد بسیار متنوع اشخاص و علاقه هادر امر ارتباطات و بازگذاشتن راه برخورداری هر فرد از امتیازات کنونی اعضای حرفه های ارتباطی، امکانات بیانی محلی را در سطح بشری، تقویت می کنند. به این گونه است که وسایل نوین و کلاسیک ارتباطی گوناگون، مانند شبکه های تلویزیونی کابل دار، ایستگاه های محلی رادیو و تلویزیون، مطبوعات محلی روستایی، مطبوعات کارخانه ها یا کاربردهای انفورماتیک، می توانند با پشت سرگذاشتن توزیع تمرکز یافته اطلاعات و از طریق دستیابی آسان به آنها، مشارکت در زندگی روزانه و محلی را امکان پذیر سازند. این، به هیچ وجه، به معنای آن نیست که تنها غیر حرفه ای ها می توانند به

توسعه بیان در سطح بشری، کمک کنند. تشکیل هسته‌ای از ارتباط گران به خوبی آموزش یافته و گروه‌های آفریننده، نیز مانند جنبه‌های خاص مکانیکی انتظام ارتباطات، برای زیرساخت ارتباطی، ضروری است. بدون تردید، تمام اعضای چنین اجتماعی را حرفه‌ای‌ها تشکیل نمی‌دهند، بلکه حرفه‌ای‌های با عزم و مسؤول می‌توانند غیرحرفه‌ای‌ها را نیز تشویق و ترغیب نمایند و به آنان کمک کنند تا برای تأمین بهترین بهره‌گیری ممکن در فرایندهای ارتباطی، به سطح کاردانی شایسته‌ای نایل گردند.

نویسندگان گزارش همچنین می‌افزایند که توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی، نباید از اهمیتی که همچنان وسایل ارتباطی سنتی و ارتباطات میان فردی، در تمام جوامع دارا هستند، بکاهد. به‌طور یقین، در موقعیت‌های متعدد، بین وسایل ارتباطی نوین و وسایل ارتباطی سنتی، همبستگی‌هایی وجود دارند. آمیخته‌سازی‌های این دوگونه وسایل ارتباطی، که عناصر آنها مکمل یکدیگرند، می‌توانند به تجربه‌های جالبی منتهی گردند. به این طریق وسایل ارتباطی الکترونی، مخصوصاً با توجه به مخاطبانی که می‌توانند مورد پوشش قرار دهند، باید به جای آن که جانشین وسایل ارتباطی سنتی باشند، مکمل و پشتیبان آنها شوند.

به عقیده تدوین‌کنندگان گزارش، ارتباطات میان فردی و ارتباطات سنتی، نه تنها به علت ارزش‌های خاص آنها، بلکه همچنین به سبب آن که برخی از گرایش‌های ناگوار را تصحیح می‌کنند. مانند گرایش‌هایی که به‌طور مثال، فعالیت‌های ارتباطی را به حرفه‌ای‌ها محدود می‌سازند، یا برای اطلاعات به ضرر مباحثات، اهمیت افراطی قائل می‌شوند، یا نوآوری‌های تکنیکی را فقط به سبب جدید بودن آنها و بدون در نظر گرفتن فایده اجتماعی آنها، طرف توجه قرار می‌دهند. باید مورد حمایت و تشویق واقع گردند. سیاست‌های ارتباطی، در صورتی که به ارزش ارتباطات میان فردی در تمام سطح‌ها و همچنین به ارزش وسایل ارتباط گروهی و وسایل ارتباطی سازماندهی شده محلی توجه کنند، دامنه عمل و تأثیر موفقیت‌آمیزی خواهند داشت.***

از نظر نویسندگان گزارش، سیاست‌های ارتباطی به عنوان مقدمات کاهش فاصله‌ها و تفاوت‌های فراوانی، که اغلب در زمینه ارتباطات مشاهده می‌شوند، نیز ضروری هستند. نابرابری و تبعیضی که در مورد زنان در تمام دنیا وجود دارد، یکی از مظاهر کامل این تباین بشمار می‌رود. کاهش این نابرابری، به کوشش سازمان یافته جامعه وابسته است. زیرا

بی‌اعتنایی به آن، نتایج معکوس پدید می‌آورد و شکاف‌های موجود دربارهٔ امکانات ارتباطی مورد دسترسی ثروتمندان و ناتوانان، شهرها و روستاها و مردان و زنان را افزایش می‌دهد. همچنین باید اضافه کرد که در بسیاری از کشورها، اقلیت‌های گوناگون، اقلیت‌های ملی، قومی، فرهنگی، سیاسی، زبانی و مذهبی به امکانات بیانی مشابه اکثریت، دسترسی ندارند و به همین سبب در برخی از ممالک، اقلیت‌های مذکور، برای ابراز بیان، به اقدامات خشونت‌آمیز، دست می‌زنند.

تدوین‌کنندگان گزارش سپس خاطر نشان می‌سازند که سیاست‌های ارتباطی و استراتژی‌های توسعه، به عنوان ابزارهای ضروری حل مسائل بزرگ زمان‌ما، پیش از هر چیز، باید امکان فراهم سازند که وسایل «اطلاعات»، به وسایل «ارتباطات» تبدیل شوند. زیرا، ارتباطات، دسترسی، مشارکت و مبادلهٔ پیام‌ها را ایجاب می‌کنند و به همین لحاظ وسایل ارتباطی مختلف، باید جای خود را در فرایند دموکراتیک‌سازی ارتباطات، کسب نمایند. در این سطح است که پیوندهای دموکراتیک‌سازی ارتباطات و دموکراتیک‌سازی توسعه، به روشنی خودنمایی می‌کنند. در واقع، اگر سیاست‌های ارتباطی می‌باید به دموکراتیک‌سازی ارتباطات توجه داشته باشند و اگر از سوی دیگر، این سیاست‌ها، می‌باید فقط بر مبنای ادغام آنها در برنامه‌های توسعه، مورد نظر قرار گیرند، سهم کردن ذی‌نفع‌های آنها، در طرح‌ریزی این سیاست‌ها و برنامه‌ها، ضروری جلوه می‌کند. وسایل مشارکت دادن مردم، به صورت فعال، در فرایند ارتباطات دوسویه و سهم کردن آنان در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، فراوانند، به شرط آن که از همان آغاز، ارادهٔ سیاسی لازم برای نیل به این نتیجه‌ها، وجود داشته باشد.

اعضای کمیسیون، می‌افزایند که نباید به دشواری‌هایی که در مقابل دموکراسی قرار دارند، بی‌اعتنایی کرد. مفاهیم دستیابی، مشارکت و برابری، با وجود پیشرفت‌های قابل توجهی که در سال‌های اخیر به دست آمده‌اند، هنوز جنبهٔ آرمانی دارند و فقط به صورت محدود و غیرکامل، تحقق یافته‌اند. منافع نیرومند، در میان کسانی که وسایل ارتباط جمعی را کنترل می‌کنند و در درون دولت، اغلب در برابر این آرمان‌ها، مانع پدید می‌آورند و در این مورد خطرات دستکاری اقتصادی یا سیاسی ایجاد می‌نمایند نیز وجود دارند.

همچنین باید افزود که فراملی‌سازی در حال گسترش ارتباطات هم به سبب آن که عاملی خارج از کنترل مسوولان به نظر می‌رسد و یا حداقل به دشواری، از سوی آنان قابل

کنترل است، ظاهراً می‌تواند برخی کوشش‌های ملی در این زمینه‌ها را خنثی کند. فراملی سازی تولید، تأمین مالی یا تجارت ارتباطات، واقعیتی است که نه تنها وسایل ارتباط جمعی و همچنین صنعت چاپ و پخش برنامه‌های تلویزیونی از طریق کابل، سینما و تبلیغات بازرگانی، بلکه ارتباطات دور، ساخت تجهیزات و قطعات الکترونی و نظایر آنها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما، کشورها در موارد مربوط به واگذاری اجازه‌نامه‌ها به کمپانی‌های فراملی، سیاست‌های متفاوتی دنبال می‌کنند و در بعضی ممالک، سیاست‌های ملی ارتباطی، به گونه‌ای طرح‌ریزی می‌شوند که از میان برداشتن عدم توازن بین هدف‌های ملی و منافع فراملی را، تسهیل می‌نمایند.

تدوین کنندگان گزارش نهایی کمیسیون یاد شده، در پایان این مبحث، بر مطالب مهم زیر، تأکید خاص گذاشته‌اند:

«... سیاست‌های ارتباطی در کشورهای توسعه یافته و همچنین در حال توسعه، جز با مشارکت تمام مراجع در برگیرنده نیروهای فعال کشورها، نمی‌توانند مشخص گردند و تدارک یابند. برای تأمین امکانات به اجرا گذاشته شدن این سیاست‌ها و برنامه‌های ناشی از آنها، کشورها باید از ابتدا و پیش از هر چیز، روی خودشان حساب کنند. این امر، شایان توجه خاص است و پیش از همه، به کشورهای در حال توسعه، که به ضرورت کاهش دادن وابستگی خود در زمینه اطلاعات و ارتباطات، وقوف دارند، مربوط می‌شود. کمک‌ها و پشتیبانی‌های خارجی، در صورتی که وجود داشته باشند و حتی اگر باید افزایش و گسترش یابند، تنها یک سهم تکمیلی، برای سیاست خود اتکایی توسعه و کوشش‌های درون‌زای تجهیز منابع ملی را تشکیل می‌دهند. این سیاست‌ها و این کوشش‌ها، از سوی کشورهای در حال توسعه، باید طبیعتاً، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص آنها، واقعیت‌های محلی و نیازهای ویژه آنها، دنبال شوند...» (۲۱)

ب. سیاست‌های ارتباطی در نتیجه‌گیری‌ها و توصیه‌های نهایی کمیسیون مک براید در قسمت پنجم گزارش نهایی «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات» (کمیسیون مک براید)، تحت عنوان «ارتباطات فردا»، ضمن ارائه نتیجه‌گیری‌ها و توصیه‌های کمیسیون در زمینه مسائل مهم ارتباطات، درباره سیاست‌های ارتباطی و موضوع‌های عمده وابسته به آنها، نیز توصیه‌های خاصی صورت گرفته‌اند. نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادهای نهایی کمیسیون، شامل یک مقدمه کلی و پنج مبحث، با عنوان‌های «به سوی تقویت استقلال و توسعه مبتنی بر خود اتکایی»، «نتایج اجتماعی و

وظایف جدید»، «هنجارها و صداقت حرفه‌ای»، «دموکراتیک سازی ارتباطات» و «ارتقاء همکاری بین المللی»، هستند و در مجموع، ۸۰ توصیه را در برمی گیرند. (۲۲)



سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو، از اوایل دهه ۱۹۹۰، در پی فروپاشی دیوار برلن و واژگونی نظام سوسیالیستی مطلق‌گرای اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری‌های توده‌ای وابسته به آن در اروپای شرقی و مرکزی، دگرگون شده‌اند و تحت تأثیر تغییرات سیاسی و اقتصادی جدید بین‌المللی، در چشم‌انداز جهانی تازه‌ای در جهت تأمین و تضمین آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات، به خودنمایی پرداخته‌اند. بر همین اساس، اصول سیاست‌های ارتباطی مورد توجه این سازمان هم که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بر کوشش‌های خاص برای پیشبرد برابری ارتباطات و گسترش جریان آزاد و متعادل اطلاعات و حرکت به سوی یک «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات»، مبتنی بودند، به پیروی از «استراتژی نوین ارتباطی» یونسکو، بر پیشبرد رسانه‌های آزاد، مستقل و کثرت‌گرا، استوار شده‌اند. برای تحقق هدف‌های این استراتژی در حوزه ویژه «ارتباطات و اطلاعات» سازمان مذکور، بخش جدید «آزادی بیان، دموکراسی و صلح»، تأسیس گردیده است و در کنار بخش قدیمی «توسعه ارتباطات» (متصدی امور برنامه بین‌المللی توسعه ارتباطات)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. همچنین از آغاز سال ۲۰۰۱، بخش تازه «جامعه اطلاعاتی»، که مسؤلیت سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به گسترش دسترسی و کاربرد تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در سطح جهانی را به عهده گرفته است نیز به آزادی بیان و اطلاعات و دسترسی آزادانه همگان به وسایل و ابزارهای اطلاعاتی، توجه خاصی پیدا کرده است.

در این میان، با آن که توصیه‌های «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات» راجع به سیاست‌گذاری ارتباطی در کشورهای در حال توسعه، به سبب تأکیدهای مکرر آن بر دموکراتیک‌سازی ارتباطات و جست‌وجوی شرایط مناسب برای «توسعه‌ای دیگر»، ارزش و اعتبار خود را حفظ کرده‌اند، اما ادامه کاربرد سیاست‌های ارتباطی موردنظر کمیسیون مذکور، از سوی نظام‌های اقتدارگرای کشورهای جهان سوم در جهت حفظ قدرت فردی حاکم و مدیریت انحصاری نخبگان سیاسی این کشورها، باعث شده‌اند که دیدگاه‌های انتقادی مختلفی در سال‌های اخیر درباره سیاست‌های یاد شده، مطرح شوند.

باید خاطر نشان ساخت که «کمیسیون مک براید»، به منظور تدارک دموکراتیک‌سازی ارتباطات در کشورهای در حال توسعه، به تأمین زمینه‌های جریان آزادتر و متعال‌تر اطلاعات در سطح بین‌المللی و دسترسی عادلانه‌تر و همگانی به وسایل ارتباطی در سطح ملی، توجه ویژه داشت و در راه نیل به «توسعه‌ای دیگر». توسعه‌ای متفاوت با دیدگاه نوسازی غربی و همچنین متفاوت با دیدگاه سلطه و وابستگی. برای تأمین نیازهای اساسی انسانی و اولویت‌دهی به ارتباطات به عنوان یکی از منابع اصلی توسعه ملی و تحقق مشارکت واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌های مملکتی، اهمیت فراوانی قائل بود.

در مجموع، یونسکو در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، در مورد سیاست‌های ارتباطی ملی، به سه اولویت مهم توجه فراوان پیدا کرده بود:

۱. اهمیت‌دهی به محتوای فرهنگی پیام‌ها و ارتباط نزدیک آنها با کارکردهای توسعه
۲. تدارک تجهیزات و امکانات فنی ارتباطی و انطباق آنها با ضرورت‌های اقتصاد ملی
۳. بومی‌سازی برنامه‌های ارتباطی و فرآورده‌های فرهنگی و به جریان انداختن آنها در ساختارهای متمرکز سطح بین‌المللی

همچنین یونسکو، به سبب عدم شناخت کافی اکثر دولت‌های جهان سوم راجع به چگونگی اثرگذاری رسانه‌ها در جوامع ملی، بر نیاز مبرم آنها به مطالعات و تحقیقات ارتباطی تأکید گذاشته بود و از آنان خواسته بود تا در مورد بررسی‌ها و پژوهش‌های تخصصی ارتباطات کوشش‌های بیشتری به عمل آورند و فعالیت‌های پراکنده مربوط به آنها را متمرکز سازند.

در این میان، در کشورهای در حال توسعه، بدون توجه به ضرورت مطالعات و تحقیقات مذکور، طراحی سیاست‌های ارتباطی مورد توصیه یونسکو، بیشتر به جنبه‌های تکنیکی معطوف بود و نوعی شیوه تک‌خطی در این زمینه دنبال می‌شد. به همین جهت، درباره چگونگی اجرای سیاست‌های ارتباطی و تحقق هدف‌های موردنظر در آنها، پیش‌بینی لازم صورت نگرفته بود و به پیچیدگی‌ها و دشواری‌های فراوان مربوط به این سیاست‌ها، توجه کافی مبذول نگردیده بود.

به طور کلی، «کمیسیون مک براید» برای تحقق هدف‌های سیاست‌های ارتباطی، بیشتر به تصحیح و تنظیم ساختارهای موجود در جهت انطباق بیشتر با نیازهای دموکراتیک‌سازی ارتباطات، توجه پیدا کرده بود و به این منظور یک دیدگاه جدید توسعه‌ای موسوم به

«توسعه‌ای دیگر» را، که قبلاً به آن اشاره شد، مطرح نموده بود. این دیدگاه، برای مشارکت بیشتر مردم در امور عمومی، حمایت از هویت شخصی و فرهنگ ملی شهروندان و ایجاد زیرساخت اقتصادی خاص متکی به خود برای هر کشور، اهمیت فراوان قائل شده است. در عین حال، کمیسیون مذکور، تعریف بسیار دقیقی از مفهوم سیاست ارتباطی به دست نمی‌داد و در این مورد، بیشتر بر مسؤلیت دولت‌ها برای مقابله با عدم تعادل جریان اطلاعات و تأمین امکانات بیشتر برای توسعه ارتباطات، تأکید داشت و مرتبط ساختن سیاست‌های ارتباطی با هدف‌های کلی توسعه کشورها را از معیارهای اصلی حفظ هویت ملی می‌شناخت.

در سال‌های اخیر، بخش «توسعه ارتباطات» یونسکو، که مدیریت «برنامه بین‌المللی توسعه ارتباطات» را هم به عهده دارد، بر اساس «استراتژی نوین ارتباطی» این سازمان، برای کمک به پیشرفت و گسترش امکانات ارتباطی و اطلاعاتی کشورهای در حال توسعه، بر اصول حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، به ویژه آزادی‌های بیان و مطبوعات و اطلاعات تکیه می‌کند و «پیشبرد رسانه‌های آزاد، مستقل و کثرت‌گرا» را هدف اصلی برنامه‌های خود معرفی می‌نماید. به همین لحاظ، برنامه مذکور، به موجب تجدیدنظرهایی که در اساسنامه آن صورت گرفته‌اند، تنها به کشورهایایی که اصول یاد شده را رعایت می‌نمایند، کمک می‌کند.

در چنین شرایطی، که تحت تأثیر تحولات جهانی پس از فروپاشی دیوار برلن و پایان جنگ سرد دو بلوک و به سبب گسترش سیاست‌های محافظه‌کاری سیاسی و اقتصادی جدید آزادی‌گرای کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، استناد به اصول حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی به صورت یکی از مبانی مهم روابط بین‌المللی و از جمله در زمینه ارتباطات، در آمده است، بسیاری از صاحب‌نظران و محققان انتقادنگر ارتباطات هم با استناد به همین اصول، بر «حق توسعه» و از جمله «حق ارتباط» به عنوان یکی از مصادیق عینی حقوق بشر تکیه می‌کنند. آنان با استناد به «اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد درباره حق توسعه»، که در سال ۱۹۸۶ به تصویب رسیده است، تأمین و تضمین این حق را شالوده اصلی توسعه ارتباطات معرفی می‌نمایند و دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را به تحقق آن، موظف می‌شناسند. (۲۳) □

پی‌نویس‌ها:

* کنفرانس‌های منطقه‌ای سیاست‌های ارتباطی را، می‌توان مکمل کنفرانس‌های مشابهی بشمار آورد، که از اوایل دهه ۱۹۷۰،

به دنبال تشکیل اولین کنفرانس جهانی بین الدول در مورد سیاست های فرهنگی (ونیز . ۱۹۷۰) در مناطق مختلف دنیا، برگزار گردیدند. کنفرانس های بین الدول منطقه ای در زمینه سیاست های فرهنگی، در دهه مذکور، به ترتیب، برای اروپا (هلستینکی، فنلاند ۱۹۷۲)، آسیا و اقیانوسیه (یوجیاکارتا، اندونزی ۱۹۷۳)، آفریقا (آکرا، سنگال ۱۹۷۵)، آمریکای لاتین و کشورهای کارائیب (یوگوئا، کلمبیا . ۱۹۷۸) و کشورهای عربی (۱۹۷۹) تشکیل شدند. دومین کنفرانس جهانی بین الدول درباره سیاست های فرهنگی نیز در سال ۱۹۸۲، در مکزیکوسیتی، پایتخت مکزیک، برگزار گردید و کنفرانس های جهانی بعدی نیز به دنبال آنها، ادامه یافتند.

* * * اجلاسیه اخیر، همچنین به موجب قطعنامه دیگری از مدیرکل یونسکو خواست تا با توجه به تصمیم بیستمین اجلاسیه کنفرانس عمومی در مورد برقراری یک نظام نوین جهانی عادلانه تر و موثرتر در زمینه ارتباطات و اطلاعات، مقدمات تحقق یک «برنامه بین المللی، برای توسعه ارتباطات» را که به رغم زمینه چینی های قبلی و تلاش های دولت های غربی و به ویژه آمریکا برای کنترل اداره این برنامه، اصول بنیادی آن در کنفرانس بین الدول (عضو یونسکو) برای همکاری درباره فعالیت ها، نیازها و برنامه های مربوط به توسعه ارتباطات (پاریس ۱۴ تا ۲۱ آوریل ۱۹۸۰) به تصویب رسیده بود و اساسنامه آن نیز در همین اجلاسیه تصویب شده بود، فراهم سازد.

به دنبال تصمیمات بیست و یکمین اجلاسیه کنفرانس عمومی یونسکو پیرامون تأسیس «برنامه بین المللی توسعه ارتباطات»، از اواسط سال ۱۹۸۱، هیأت مدیره آن موسوم به «شورای بین الدول» که از ۳۵ نفر نمایندگان دولت های منتخب از نواحی جغرافیایی مختلف جهان تشکیل می شود، فعالیت های خود را آغاز کرد و از آن پس، اجلاسیه سالانه این شورا، به طور مرتب، در مقر یونسکو در پاریس و یا در پایتخت یکی از کشورهای عضو این سازمان جهانی، برگزار می گردد و طرح های گوناگون برنامه مذکور برای کمک به بهبود ساختارهای ارتباطی کشورهای جهان سوم، را مورد بررسی و تصویب قرار می دهد.

* * * * * به موجب بررسی «دبیرخانه شورای بین الدول برای انفورماتیک» در زمان نگارش نهایی کمیسیون مشخص شده بود که ۲۸ کشور، در نظر داشته اند، در این باره، قوانین حمایت از حریم زندگی خصوصی وضع کنند و جمعاً ۴۱ کشور، در مورد نظارت های مختلف، برای جلوگیری از معایب و مضرات کامپیوترسازی، به مطالعه دست زده بوده اند.

* * * * * نویسندگان گزارش، برای تأکید بر اهمیت خاص ارتباطات میان فردی، در یک زیرنویس، پس از اشاره به طرح پژوهشی «دانشگاه ملل متحد» درباره «هدف ها، فرایندها و شاخص های توسعه» و یادآوری انتقادهای متدرج در این طرح، راجع به «سوء توسعه» و نیز «افراط در توسعه» و عدم دستیابی آنها به ارضاء نیازهای غیرمادی و ارتقاء سطح «کیفیت زندگی»، اضافه کرده اند که در مقایسه با وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی های پیشرفته ارتباطی. که هدف به شمار نمی روند و تنها وسیله اند. ارتباطات میان فردی و بهبود آنها، به خودی خود باید به عنوان یک هدف و همچنین یک ابزار برجسته توسعه مورد نظر قرار گیرند و وسایل ارتباط جمعی به عنوان وسیله، می توانند و بایستی امتداد دهنده ارتباطات میان فردی باشند.

1. Resolution 4.21
 2. Unesco. Report of the Meeting of Experts on Communication Policies and Planning. Paris, 17-28 July 1972. Paris: Unesco (COM/MD/24 Corr.), 7 December 1972, P.P 8,9
 3. Ibid. P.P 11-21
 4. Unesco. Report of the Meeting on Management and Planning of New Communication Systems, Paris, October 1973. Paris: Unesco (COM/MD/29), 28 March 1974
 5. E.Lloyd SOMMERLAND. National Communication Systems: Some Policy Issues and Options. Paris: Unesco (Reports and Papers on Mass Communication. No. 74), 1975
 6. John A.R.Lee. Towards Realistic Communication Policies: Recent Trends and Ideas. Compiled and Analysed. Paris: Unesco (Reports and Papers on Mass Communication, No.76), 1976, 59 P.P.
 7. Marco Antonio Rodrigues Dias et al. National Communication Policy Councils: Principles and Experiences. Paris: Unesco (Reports and Papers on Mass Communication, No.83), 1979, 45 P.P.
 8. Actes de la Conférence GANArAle, 18^Ème Session, Paris, 1974, Resolutions Vol.1 P.P.120-121
 9. Ibid P.P. 65,66
 10. Unesco. Intergovernmental Conference on Communication Policies in Latin American and the Caribbean-San Jose (Costa Rica), 12-21 July 1976, Final Report. Paris: Unesco (COM/MD38), October 1976, 82 P.P.
 11. Unesco. Intergovernmental Conference on Communication Policies in Asia and Oceania-Kuala Lumpur (Malaysia), 5to 14 February 1979: Final Report. Paris: Unesco (COM/MD42), June 1979, 65+30 P.P.
 12. Unesco. Intergovernmental Conference on Communication Policies in Africa-YaoundÁ (CamÁroun), 22-31 July 1980: Final Report. Paris: Unesco (CC/MD/46), December 1980, 88 P.P.
 13. Unesco. Intergovernmental Conference on Communication Policies in the Arab States-Khartoum (Sudan), 19-23 July 1987: Final Report. Paris: Unesco (CC/MD/3-CC.87/ARABCOM/3), 1987, 58 P.P.
 14. Declaration on Fundamental Principles Concerning the Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to the Promotion of Human Rights and to Countering Racism, Apartheid and Incitement to War. 22 November 1978
۱۵. ترجمه فارسی این اعلامیه که به وسیله نویسنده صورت گرفته، در مأخذ زیر ارائه شده است:
کاظم معتمدنژاد. ارتباطات بین المللی، جزوه درسی دوره لیسانس علوم ارتباطات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (پلی کپی)، سال تحصیلی ۱۳۷۰-۱۳۶۹.
۱۶. عنوان های انگلیسی و فرانسه این گزارش و همچنین ترجمه فارسی متن خلاصه شده آن، بدین قرارند:
- Unesco. Many Voices, One World: Communication and Society, Today and Tomorrow-Towards a New, more Just and more Efficient World Information and Communication Order. Report by the International Communication for the Study of Communication Problems. Paris: Unesco, 1980, 312-P.P.
- Unesco. Voix Multiples, Un Seul Monde: Communication et SociÉTÁ, Aujourd'hui et Demain-Vers un Nouvel Ordre Mondial de l'Information et de la Communication Plus Juste et plus Efficace. Rapport de la Communication

Internationale d'Etude des
Problèmes de la Communication. Paris: Unesco 1980, 367 P.P.

یونسکو، یک جهان، چندین صدا: ارتباطات در جامعه امروز و فردا. به سوی یک نظم نو اطلاعاتی و ارتباطی عادلانه تر و مؤثرتر (گزارش کمیسیون بین المللی مطالعه مسائل ارتباط). ترجمه ایرج پاد. با مقدمه کاظم معتمدنژاد. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۹ شمسی. ۲۷ ص.

ترجمه فارسی این گزارش، از متن خلاصه شده آن، که در سال ۱۹۸۴ از سوی انتشارات یونسکو، به زبان انگلیسی به چاپ رسیده، صورت گرفته است.

۱۷. به صفحات ۳۷ تا ۴۳ متن انگلیسی و صفحات ۴۵ تا ۵۳ متن فرانسه گزارش و صفحات ۶۹ تا ۷۲ ترجمه فارسی متن خلاصه شده آن، مراجعه شود.

18. Dag Hammarskjöld Foundation. What Now?: Another Development. Uppsala: Dag Hammarskjöld Foundation, 1975

۱۹. صفحات ۲۰۳ تا ۲۰۷ متن انگلیسی و صفحات ۲۵۲ تا ۲۵۸ متن فرانسه

۲۰. صفحات ۲۰۷ تا ۲۱۰ متن انگلیسی و صفحات ۲۵۸ تا ۲۶۱ متن فرانسه

۲۱. صفحات ۲۱۰ تا ۲۱۲ متن انگلیسی و صفحات ۲۶۱ تا ۲۶۴ متن فرانسه

۲۲. صفحات ۱۸۷ تا ۲۱۴ ترجمه فارسی متن خلاصه شده، صفحات ۲۵۱ تا ۲۷۲ متن انگلیسی و صفحات ۳۱۳ تا ۳۳۸ متن

فرانسه

23. Ank Linden. "Communicating the Right to Development: Towards Human Rights-Based Communication Policies in Third World" Gazette, Vol. 81, No.5, 1999. PP. 411-432